

گفت‌وگوی روزنامه صبا با مهران رجبی، بازیگر سینما و تلویزیون:

اکبر عبدی یک امضای ماندگار داشت

درگذشت اکبر عبدی، بازیگر نام‌آشنای سینمای ایران، بار دیگر نگاه‌ها را به کارنامه یکی از متفاوت‌ترین چهره‌های بازیگری کشور معطوف کرد؛ بازیگری که با توانایی ویژه‌اش در خلق شخصیت‌های کمدی و جدی، جایگاهی منحصر به فرد در سینمای ایران پیدا کرد. مهران رجبی، بازیگر سینما و تلویزیون، در گفت‌وگو با روزنامه «صبا» از ویژگی‌های هنری و شخصیتی اکبر عبدی، خاطرات همکاری با او و تأثیری که این بازیگر بر جریان بازیگری ایران گذاشت، سخن گفت.

سروین دهقان
گفت‌وگو



○ با توجه به همکاری‌هایی که با ایشان داشتید، خاطره‌ای دارید که وجه دیگری از شخصیت اکبر عبدی را جدا از شهرت و بازیگری نشان دهد؟

خاطرات خیلی زیاد است. هر کسی که با ایشان کار کرده باشد، حتماً خاطرات زیادی از او دارد. اما مهم‌ترین ویژگی‌ای که من از آقای عبدی به یاد دارم این بود که وقتی سر صحنه حضور داشت، حال همه خوب بود؛ چه عوامل فنی و چه عوامل هنری. فضای پشت صحنه با حضور ایشان پر از خنده و انرژی بود. از زمانی که صبح سر صحنه حاضر می‌شدیم، از صبحانه خوردن گرفته تا آماده شدن برای کار، پوشیدن لباس، پایان روز کاری، شنیدن خسته نباشید و سوار شدن به سرویس‌ها، همه چیز با خاطرات خوب همراه بود. من واقعا یک بار هم ندیدم که در حضور آقای عبدی عصبانیت یا ناراحتی خاصی بین گروه ایجاد شود. همه نگاه‌ها به سمت ایشان بود که ببینند چه می‌گویند و از حضورش لذت ببرند. او فقط یک بازیگر مقابل دوربین نبود؛ حضورش در پشت صحنه هم برای گروه انرژی بخش بود.

○ فکر می‌کنید کدام نقش‌های اکبر عبدی نشان‌دهنده اوج توانایی‌های ایشان بود؟

طبیعی است که بعضی کارها ماندگارتر می‌شوند و بعضی آثار ممکن است گذراتر باشند. اما اکبر عبدی در کارنامه‌اش نقش‌های بسیار متفاوتی دارد. مثلاً بازی او در فیلم «مادر» یکی از کارهای بسیار خاص و ماندگارش بود. آن نقش بسیار سخت بود. اینکه یک بازیگر هر روز ساعت‌ها زیر گریم سنگین قرار بگیرد، دندان‌ها، چشم‌ها و چهره‌اش تغییر کند و با آن شرایط بتواند احساس و شخصیت را به درستی منتقل کند، کار ساده‌ای نیست. بازیگر در این شرایط باید صبور، متین و آرام باشد تا گروه گریم بتواند کارش را به بهترین شکل انجام دهد. این‌ها چیزهایی است که شاید بیننده در فیلم نبیند، اما بخشی از مسیر خلق یک نقش است. از گریم گرفته تا تمرین، شناخت شخصیت و تمام اتفاقاتی که برای رسیدن به اجرای نهایی یک نقش رخ می‌دهد، همگی بخشی از هنر بازیگری هستند.

○ بازیگران طنز معمولاً با خطر کلیشه شدن روبه‌رو هستند. فکر می‌کنید اکبر عبدی چطور توانست از این خطر عبور کند؟

به نظر من دلیل اصلی‌اش نمک و توانایی ذاتی ایشان بود. اگر کسی در طنز، جوهره و توانایی لازم را داشته باشد، حتی اگر به سمت تکرار هم برود، باز هم برای مخاطب جذابیت خودش را حفظ می‌کند. بالاخره یک انسان نمی‌تواند چهل جور آدم متفاوت باشد. هر کسی یک شخصیت، یک رفتار و یک ویژگی‌های اخلاقی مشخص دارد. اما بعضی ویژگی‌های خوب هیچ‌وقت تکراری نمی‌شوند. ما هر روز غذا می‌خوریم؛ ناهار و شام. هیچ‌وقت نمی‌گوییم ۳۷ سال است داریم شام می‌خوریم؛ پس دیگر تکراری شده است. هر زمان که سفره پهن می‌شود، باز هم می‌نشینیم و از آن لذت می‌بریم؛ چون یک نیاز و یک اتفاق خوب است. هنر هم همین است. اگر هنرمند توانایی داشته باشد، حضور و ویژگی‌هایش برای مخاطب تکراری نمی‌شود. البته اگر کسی توانایی لازم را نداشته باشد، تکرار می‌تواند باعث دلزدگی شود، اما هنرمندی مثل اکبر عبدی با آن توانایی و آن شیرینی خاص، همیشه برای مردم جذاب بود.

○ در ابتدا درباره تأثیر جریان بازیگری که اکبر عبدی بر سینمای ایران گذاشتند صحبت کنیم.

هر کسی که وارد عرصه بازیگری می‌شود، نقش خودش را بازی می‌کند و امضای خودش را پای کارش می‌زند. در طول تاریخ بازیگری در سراسر دنیا هم همین‌طور بوده است. هیچ‌کس نمی‌تواند جای دیگری قرار بگیرد، چون هر بازیگری ویژگی‌ها و جهان شخصی خودش را دارد. مثلاً وقتی از مرحوم خسرو شکیبایی صحبت می‌کنیم، آن حالت خاصی که در بیان دیالوگ داشت، آن نوع ارائه نقش و حسی که منتقل می‌کرد، کاملاً متعلق به خودش بود. اگر کسی بخواهد شبیه او بازی کند، می‌گوییم دارد ادای او را در می‌آورد؛ حتی اگر واقعا تلاش کند شبیه او باشد. چون آن ویژگی‌ها بخشی از وجود و امضای شخصی یک هنرمند است. یا درباره مرحوم گرجستانی هم همین موضوع صدق می‌کند؛ نوع صدا، نحوه بیان دیالوگ‌ها و شیوه ارائه نقش، چیزی بود که فقط خودش داشت. قرار هم نیست کسی شبیه دیگری باشد. هر هنرمندی اثر انگشت خودش را دارد. اکبر عبدی هم دقیقاً همین ویژگی را داشت. اکبر عبدی بود؛ با همان خصوصیات، همان جنس بازی، همان نگاه و همان توانایی‌هایی که در وجودش بود. او در ژن‌های نسلی که با آثارش زندگی کردند و خاطره ساختند، باقی خواهد ماند. ممکن است ده‌ها سال بعد هم مردم از فیلم‌هایش یاد کنند، همان‌طور که بعضی هنرمندان در ذهن مردم ماندگار می‌شوند. بالاخره سنت الهی این است که این دنیا فانی است. همه ما رفتنی هستیم و آن چیزی که باقی می‌ماند ذات الهی است. اما بعضی آدم‌ها به واسطه اثری که در زندگی دیگران می‌گذارند، خاطره‌ای از خودشان باقی می‌گذارند. آقای عبدی در بیش از پنجاه سال فعالیت هنری، امضای خودش را داشت. مردم با این امضا آشنا بودند، دوستش داشتند و از دیدن بازی او لذت می‌بردند. خنده‌ها، لحظه‌های شیرین و خاطرات خوبی که برای مردم ساخت، همان اثر انگشت هنری اکبر عبدی بود. او حالا در ۶۶ سالگی وارد زندگی جاودانه شده است. از این بابت ناراحت نیستیم، چون در نگاه اعتقادی ما، مرگ پایان نیست. همان‌طور که در آموزه‌های دینی آمده، انسان با سلام و آرامش وارد مرحله‌ای دیگر از زندگی می‌شود. چه چیزی بالاتر از اینکه انسان به جاودانگی برسد؟ ان شاء الله خداوند رحمت و اسعه خودش را شامل حال ایشان کند و جایگاه شایسته‌ای در بهشت نصیبشان شود.



وادی خیدا

گل‌سنگ

